یکشنبه 09 فروردین 1388 - 07:35

احترام به والدین

در کافی به سند خود از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت‌از امام صادق(ع)شنیدم می‌فرمود: یکی از گناهان کبیره عقوق والدین، و یکی دیگر نومیدی ازرحمت‌خدا،و یکی ایمنی از مکر اوست، و روایت‌شده که از هر گناهی بزرگتر شرك به خدااست (1) .

و در کتاب فقیه درحقوقی که از امام زین العابدین(ع)روایت کرده فرموده: بزرگترین حق خدا بر تو این است که اورا بپرستی، و چیزی شریکش نسازی که اگر اینکار رابه اخلاص کردی خداوند حقی برای تو برخود واجب می‌کند، و آن این است که امور دنیا وآخرتت را کفایت می‌کند.

و نیز فرمود: و اما حق مادرت این است که بدانی او تورا طوری حمل کرد که احدی، احدی را آن طور حمل نمی‌کند، آری او تو را در داخل شکم خود حمل کرد، واز میوه قلبش‌چیزی به تو داد، که احدی به احدی نمی‌دهد، و او با تمامی اعضای بدنش تو را محافظت‌نمود، و باك نداشت ازاینکه گرسنه و تشنه بماند، بلکه پروایش همه از گرسنگی و تشنگی توبود، او باك نداشت ازاینکه برهنه بماند، همه پروایش از برهنگی تو بود، او هیچ پروایی

(1)اصول کافی، ج 2، ص 278، ح 4.

صفحه : 328

نداشت از گرما، ولی سعیش این بود که بر سر تو سایه بیفکند،او به خاطر تو از خواب خوش‌صرفنظر کرد، و تو را از گرما و سرما حفظ نمود، همه این تلاشها برای این است که‌تو مال اوباشی، و تو نمی‌توانی از عهده شکر او برآیی، مگر با یاری و توفیق خدا.

و اما حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است، چون‌اگر او نبود تو نبودی، پس هروقت از خودت چیزی دیدی که خوشت آمد، بدان که اصل آن نعمت پدرتو است، پس حمدخدا گوی، و شکر پدر بجای آر، آن قدر که با این نعمت برابری کند، و هیچ نیرویی نیست جزبه وسیله خدا (1) .

و در کافی به سند خود از هشام بن سالم، از امام صادق(ع)روایت‌کرده که‌فرمود: مردی نزد رسول اکرم(ص)رفت و گفت: یا رسول الله به چه‌کس نیکی کنم؟فرمودبه مادرت، عرضه داشت: سپس به چه کس؟فرمود: به مادرت، عرضه داشت: سپس به چه‌کس؟فرمود: به مادرت، عرضه داشت: سپس به چه کس؟فرمودبه پدرت (2) .

و در مناقب آمده که روزی حسین بن علی(ع)به عبدالرحمان بن عمرو بن‌عاص گذشت، پس عبد الرحمان گفت: هر که می‌خواهد به مردی نظر کند که محبوبترین‌اهل‌زمین است نزد اهل آسمان، به این شخص نظر کند، که دارد می‌گذرد، هر چند که من بعد ازجنگ صفین تاکنون با او همکلام نشده‌ام.

پس ابو سعید خدری او را نزد آن جناب آورد، حسین(ع)به‌او فرمود: آیامی‌دانستی که من محبوبترین اهل زمین نزد اهل آسمانم، و با این حال در صفین شمشیربه‌روی من و پدرم کشیدی؟به خدا سوگند پدر من بهتر از من بود، پس عبد الرحمان عذر خواهی‌کرد و گفت:آخر چه کنم رسول خدا(ص)به خود من سفارش فرمودکه پدرت را اطاعت کن، حضرت فرمود: مگر کلام خدای را نشنیدی که فرمود: و انجاهداك‌علی ان تشرك بی ما لیس لك به علم فلا تطعهماو نیز مگر از رسول خدا(ص)نشنیده‌ای که فرمود:اطاعت(پدر و مادر و یا هر کس که اطاعتش واجب‌است)باید که معروف باشد، و اطاعتی که نافرمانی خدا است معروف و پسندیده‌نیست، و نیزمگر نشنیده‌ای که هیچ مخلوقی در نافرمانی خدا نباید اطاعت‌شود (3) .

(1)من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 376. (2)کافی، ج 2، ص 159، ح 9. (3)مناقب، ج 4، ص 73 - طبع قم.

علامه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره ترجمه تفسیر المیزان جلد 16 صفحه 327

سید محمد حسین طباطبایی

بنیاد اندیشه اسلامی